

متن پرسش

سلام علیکم! در ابتدا پوزش می‌خواهم که سوالم طولانی است و البته از شما تقاضا دارم در حد امکان یک جواب کامل و جامع به بنده بدهید و از همه ابعاد مسأله را بررسی بفرمائید و در صورت امکان به تک تک روایات نیز پاسخ دهید. گزینه جنسی نیز مانند سایر غرایز یکی از غرایز انسانی است که مربوط به جنبه حیوانی بشر است. اما ظاهراً این گزینه در ادبیات دینی ما از یک قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار است. می‌خواستم بدانم دلیل این امر چیست؟! در توضیح این سوال باید گفت ظاهر گزینه جنسی این است که با یک عملی که بطور عادی ممکن است بین ۱۰ تا ۲۰ دقیقه طول بکشد و در نهایت چند قطره یا چند سی سی منی از انسان خارج می‌شود این گزینه ارضا می‌شود. اما روایات عجیبی در این باب داریم. برای مثال روایت داریم: «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَهُوَ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَنُّعِ بِالنِّسَاءِ وَ مَفَاكِهِةِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ» (الخصال ج ۱ ص ۱۶۱) حال در اینجا «التَّمَنُّعِ بِالنِّسَاءِ» که مربوط به گزینه جنسی است و مربوط به بعد حیوانی است؛ در کنار عمل عظیمی مانند نماز شب به عنوان سرگرمی مومن ذکر شده است. نماز شبی که آنهمه روایات در فضیلتش داریم و آنهمه ثواب برایش ذکر شده است که خودتان بیشتر از بنده می‌دانید. حتی خیلی از اولیاءالله و عرفا فرموده‌اند که ما در نماز شب پرده‌ها از جلوی چشمان کنار رفت و مثلاً آغاز سیر و سلوکمان در نماز شب بود. حال همچین عملی در کنار یک عمل که مربوط به جنبه حیوانی آدمی است که لذتی حیوانی نیز دارد و در اکثریت قریب به اتفاق مردم این عمل بدون نیت قربت و بدون نیت خاصی و صرفاً بخاطر لذتش انجام می‌گیرد (مگر در معدودی از اولیاءالله که عمل جنسی را به نیت قربت انجام دهند). در کنار این عمل که مخصوص مقربین است و شامل قرب نوافل می‌شود به عنوان لهُو مومن ذکر می‌شود. حال واقعاً دلیل این امر چیست؟! چرا مثلاً غذا خوردن که آنهم مربوط به گزینه و جنبه حیوانی ماست در اینجا ذکر نمی‌شود؟! چرا مثلاً بازی کردن که آنهم مربوط به جنبه حیوانی ماست در اینجا ذکر نمی‌شود؟! یا برای مثال به این روایت توجه بفرمائید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ فَقَالَ لَا فَقَالَ أَبِي وَ مَا أَحْبَبُّ أَنَّ لِي الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ أَنِّي بَتُّ لَيْلَةً وَ لَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ ثُمَّ قَالَ الرَّكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ أَعْرَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ ثُمَّ أَعْطَاهُ أَبِي سَبْعَةَ دَنَانِيرٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ تَزَوِّجْ بِهَذِهِ ثُمَّ قَالَ أَبِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ.» (الكافی ج ۵ ص ۳۲۹) خوب در اینجا طبق فرموده امام باقر(ع) یک دنیا به یک شب بدون زن خوابیدن نمی‌ارزد. یعنی واقعاً این مسأله اینقدر مهم است که یک دنیا به یک شب بدون زن خوابیدن نیرزد؟! چرا اینطور است!!! چرا مثلاً یک دنیا به یک روز بدون تلویزیون تماشا

کردن (البته نفرمائید تلویزیون آن موقع نبوده. صرفاً دارم مثال می زنم.) می ارزد اما به یک شب بدون زن خوابیدن خیر؟! چرا مثلاً حدیث نداریم دوست نداشتیم کل دنیا را داشتیم اما یک روز را بدون مثلاً گوشت خوردن سر می کردم؟!!!! با توجه به اینکه هم بحث خوردن هم بحث جنسی هر دو از غرایز است و مربوط به جنبه حیوانی بشر. واقعاً فرق غریزه جنسی با باقی غرایز چیست؟! یا مثلاً طبق ادامه این روایت و روایات دیگر نماز متأهل ۷۰ برابر نماز مجرد ثواب دارد. واقعاً دلیل این امر چیست؟! آیا همه اینها به غریزه جنسی برمی گردد یا مسأله دیگری است؟! یا مثلاً این روایت: «وَقَالَ صَ الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَزَبِ» اینهم خیلی عجیب است. یعنی اگر متأهلی فقط خوابیده باشد از مجردی که صبح مثلاً تاسبتان در آن هوای گرم و روز طولانی روزه بگیرد و شب نیز به عبادت و تهجد بپردازد؛ باز هم آن متأهلی که هیچ کاری نمی کند و فقط خوابیده است نزد خدا افضل است. چرا واقعاً اینطور است؟!!!! یا برای مثال این روایت که دیگر صریح و واضح است مربوط به غریزه جنسی است: «عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ حَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا ع يَقُولُ ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعِطْرُ وَ أَحْذُ الشَّعْرِ وَ كَثْرَةُ الطَّرِوقَةِ» (الكافی ج ۵ ص ۳۲۰) البته در روایات دیگری نیز از «كثْرَةُ الطَّرِوقَةِ» به عنوان یکی از خصال انبیاء(ع) نام برده شده است. حال چرا از بین اینهمه غریزه و امیال غریزی و حیوانی آمیزش جنسی زیاد یکی خصال انبیاء(ع) گفته شده است؟!!!! چرا مثلاً خوردن زیاد یا مثلاً خوابیدن زیاد یا مثلاً تفریح زیاد و ... از خصال انبیاء(ع) نیست؟!!!! نه تنها زیادی این مسائل از خصائل انبیاء(ع) نیست؛ بلکه برای مثال زیادی خوردن و خوابیدن در روایات نکوهش شده است. اما از آنجائیکه کثره الطروقه یکی از خصال انبیاء(ع) ذکر شده است معلوم می شود زیادی آمیزش نه تنها نکوهیده نیست؛ بلکه یک امر حسن و پسندیده است. واقعاً چرا این غریزه اینگونه است و فرقی با سایر غرایز چیست؟! آیا این غریزه همان چیزی است که در ابتدا گفتیم با یک عمل ۱۰ تا ۲۰ دقیقه ای و خارج شدن چند سی سی منی از بدن ارضاء می شود یا واقعاً مسأله فراتر از این حرفها است؟! یا مثلاً به این دو روایت توجه بفرمائید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِنْ أَحْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ.» و «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا أَطْنُ رَجُلًا رَجُلًا فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ.» خب در اینجا می فرماید ازدیاد ایمان موجب ازدیاد حب نسبت به نساء می شود. اما مثلاً نداریم که ازدیاد ایمان موجب ازدیاد ازدیاد حب نسبت به غذاها بشود یا موجب ازدیاد حب نسبت به خواب بشود یا مثلاً موجب ازدیاد حب نسبت به تفریح و بازی بشود و ... نه تنها نداریم بلکه در نمونه های عینی مشاهده می شود هر چه فرد با ایمان تر و با تقواتر باشد میل کمتری به شکم درانی و خوابیدن زیاد و تفریح دارد. اما به زنان که می رسیم دقیقاً اوضاع بالعکس می شود. یا برای مثال این روایت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ- أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتِ إِلَى نِسَائِكُمْ وَ الرَّفْتِ الْمَجَامَعَةَ» (الكافی ج ۴ ص ۱۸۰) در اینجا آمیزش جنسی در شب اول ماه دعا و نیایش و معنویت در کنار آنهمه ادعیه و اذکار و اوارد به عنوان یک عمل مستحب ذکر می شود. واقعاً دلیل این امر چیست؟!!!! واقعاً

این غریزه با سایر غرایز چه تفاوتی دارد؟! یا برای مثال این روایت: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ ثُمَّ اغْتَسَلَ إِلَّا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ تَقَطَّرَ مِنْهُ سَبْعِينَ مَلَكًا يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ يَلْعَنُونَ مُتَجَنِّبَهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ.» (وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۱۶) البته در این روایت چون بحث متعه مطرح است شاید نهی عمر بن خطاب نیز در تأکید شدید ائمه (ع) روی متعه تأثیر گذاشته باشد و این عمل علاوه بر خود عمل متعه از باب مخالفت با ثانی و مخالفت با بدعت ایجاد شده نیز ثواب داشته باشد. اما به هر حال این عمل نیز یک عمل مربوط به جنبه حیوانی ماست که این روایت در موردش آمده است. البته در مورد حدیث افزایش حب به نساء با افزایش ایمان سوالی جدا نیز داشتیم: ظاهراً این روایت خطاب به مردها است نه زنها. چرا عکس این مطلب را نداریم؟! به مردها می گوید ازدیاد ایمان موجب ازدیاد حب نسبت به نساء می شود اما خطاب به زنها نداریم که ازدیاد ایمان موجب ازدیاد حب نسبت به رجال بشود. دلیلش چیست؟ یا مثلاً در روایت می فرماید کل دنیا به یک شب خوابیدن بدون زن نمی ارزد. اما خطاب به خانمها نداریم کل دنیا به یک شب خوابیدن بدون شوهر نمی ارزد. دلیلش چیست!؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که جوانان مجرد با رعایت عفت خود و صبر بر معصیت و رضایت به آنچه حضرت حق تقدیر فرموده، به نحوه‌ای از تجرد روحی می‌رسند که پیران طریقت حسرت آن‌ها را می‌خورند، موضوع لذات جنسی نیز اگر درست دیده شود یک نحوه آمادگی روحی برای بندگی بهتر می‌گردد. حضرت صادق «علیه السلام» راز این مسئله را تا حدی باز کرده‌اند. آن‌جا که می‌فرمایند: «إِنَّ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يُرَى ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ، أَوْ تَرْوُدٍ لِمَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ ذَاتٍ مُحَرَّمٍ، وَ يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُفَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ، وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَاتِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ، فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ.» در حکمت آل داود چنین است که شایسته است مسلمان عاقل، زمانی از روز خود را برای کارهایی که بین او و خداوند انجام می‌گیرد، اختصاص دهد، و زمانی دیگر برادران ایمانی خود را که با همدیگر در امر آخرت مشارکت دارند ملاقات کند، و زمانی نفس خود را با لذائذ و مشتیهاتش که گناه نباشد آزاد بگذارد. زیرا این زمان؛ آدمی را در انجام وظائف دو امر دیگرش کمک می‌کند. حضرت می‌فرمایند: این نوع لذت، شوق عبادت را بیشتر می‌کند. زیرا لذت جنسی از آن جهت که ماده‌ای مثل طعام در غذا خوردن در میان ندارد، شبیه لذت لقاء الهی است و عزم سالک را که لذت لقاء را می‌شناسد تشدید می‌کند به همین جهت در روایت «کثره الطروقه» را به انبیاء نسبت داد. یا حضرت صادق «علیه السلام» می‌فرمایند: «أَلْهُوَ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ التَّمَتُّعِ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاكَهَةِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ» و مصداق کامل مؤمن، اولیاء معصوم هستند. چون این بزرگان جنس لذت لقاء را می‌شناسند و در همین راستا از طریق لذات جنسی حلال به آن لذت منتقل می‌شوند و از آن جهت در شروع ماه رمضان که زمینه‌ی انتقال به لذت لقاء فراهم

است روح‌های مؤمنین با لذت جنسی با سرعت بیشتری به لقاء می‌رسند. همان چیزی که حضرت صادق «علیه‌السلام» در روایتی که در ابتدا عرض کردم متذکر شدند. البته این‌ها همه مبتنی بر سایر شرایط است که باید مؤمنین فراهم کنند وگرنه نفس اماره در این موارد حاکم می‌شود و موضوع، تغییر می‌کند. موفق باشید